

زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن

فردوس آقاگل زاده

علی افخمی

چکیده

مقاله حاضر کوششی است در جهت معرفی زبان‌شناسی متن^۱ و رویکردهای آن. زبان‌شناسی متن شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است که بر مطالعه متون و سازمان متن^۲ نوشتاری تأکید می‌ورزد، و بیشتر با انسجامهای ساختاری متن سروکار دارد. مطالعه ویژگیهای متون از قبیل همه آنچه سبب می‌شود تا نوشته‌ای را متن بنامیم در حوزه زبان‌شناسی متن است. این شاخه نوپا از زبان‌شناسی در پی حل این مسئله در زبان است که متن چیست و چگونه تولید و تعبیر می‌شود.

جهت یافتن پاسخ به این‌گونه پرسشهاست که رویکردهای مختلف زبان‌شناسی متن هر یک با پشتوانه نظری و روش‌شناختی متنوع به توصیف و ارائه راه‌کارهایی جهت تولید و درک متن همت گماشته‌اند که از آن جمله می‌توان به رویکرد کاربردی متن^۳ و «رویکرد حل مسئله» اشاره نمود. رویکردهای تولید و درک متن، کاربرد وسیعی در تحلیل گفتمان انتقادی، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، اعم از آموزش زبان به خصوص در مهارتهای نوشتن و خواندن و درک متن، در زبان‌شناسی رایانه‌ای، تهیه نرم‌افزارهای کامپیوتری در امر ترجمه، پردازش، ویراستاری متون و در فرهنگ‌نویسی دارد.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی متن، تحلیل گفتمان، سازمان متن، تحلیل متن، رویکردها.

1. text linguistics

2. text organization

3. procedural approach

۱ مقدمه

برخی از زبان‌شناسان متن را بازنمون سخن^۱ تعریف کرده‌اند (تراسک ۱۹۹۶؛ یول و براون ۱۹۸۹). هارتسن و گریگوری (۱۹۹۸) زبان‌شناسی متن را به عنوان شاخه‌ای از تحلیل گفتمان (کلام) می‌دانند که به بررسی زبان در سطح جمله و فراتر از جمله می‌پردازد. در این تعریف «جمله» به عنوان متنی است که در درون بافتی به کار رفته باشد، خواه گفتاری و خواه نوشتاری. آن شاخه از تحلیل گفتمان را که بر متون مکالمه‌ای و یا بر تعامل چهره به چهره تأکید می‌کند، تحلیل گفتمان (گفتاری) می‌نامند که این شاخه قرابت زیادی با جامعه‌شناسی زبان دارد، شاخهٔ دیگر تحلیل گفتمان به «زبان‌شناسی متن» مشهور است که بر مطالعات متون نوشتاری تأکید می‌کند و بیشتر با انسجام‌های ساختاری متن سروکار دارد. پس مطالعهٔ ویژگیهای متون از قبیل آنچه باعث می‌شود که نوشته‌ای را متن بنامیم مربوط به حوزهٔ زبان‌شناسی متن است (کریستال ۱۹۹۲).

موضوعاتی از قبیل متن چیست و چگونه تولید می‌شود سازمان درونی متن چگونه است و چگونه می‌توان آن را درک نمود از جمله مسائلی است که زبان‌شناسی و تجزیه و تحلیل‌گران متن را به خود مشغول کرده است. امروزه کاربرد وسیع زبان‌شناسی متن در تهیهٔ متون و مطالب درسی، روشهای تدریس مهارتهای خواندن و درک مطلب و نوشتار از یک طرف، و تجزیه و تحلیل متون و تهیهٔ نرم‌افزارهای مختلف رایانه‌ای جهت ترجمه و پردازش متون از طرف دیگر، لزوم معرفی و ضرورت تحقیق هر چه بیشتر در این شاخه از علم زبان‌شناسی را دو چندان نموده است.

نگارنده در این مقاله در نظر دارد به معرفی برخی رویکردهای مهم موجود در زبان‌شناسی متن و راهکارهایی که برای تشخیص سازمان درونی متون و چگونگی تولید و درک آنها ارائه می‌نماید، بپردازد. نخست به تحقیقات دربارهٔ زبان‌شناسی متن اشاره خواهد شد و سپس به معرفی رویکردهایی همچون رویکرد کاربردی متن از دوبگراند و درس‌لر، و «رویکرد حل مسئله» مایکل هوی خواهیم پرداخت.

۲ زبان‌شناسی متن

کریستین مملک‌آر (۲۰۰۰) به نقل از مایکل هوی (۱۹۸۳) می‌گوید: علاقه و گرایش وجود دارد که خط قاطعی بین گفتمان به معنای گفتاری و متن به عنوان نوشتاری بکشد. این مسئله آنچنان جدی شده است که حتی به صورت دو عنوان که نمایندهٔ دو نظام و یا دو رشته است تحت عناوین «تجزیه و تحلیل کلام» و «زبان‌شناسی متن» منعکس شده‌اند. علی‌رغم نیاز به این تمایز، هاله‌ای از

1. speech

ابهام، نقاط مشترک موجود در سازمان این دو واژه یعنی گفتار و نوشتار را فرا گرفته است (دوبگراند و درس‌ر ۱۹۸۱). البته تمایزی که هوی از آن سخن می‌راند تمایزی است از جنبه عملی نه نظری، زیرا که از جهت نظری همپوشی بین زبان‌شناسی متن، و تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان محاوره‌ای اجتناب‌ناپذیر است (ملمک‌آر ۲۰۰۰).

زبان‌شناسی جدید در دوره‌های اولیه حیات خود با تأکیدی که بر کشف و توصیف واحدهای کمینه در هریک از سطوح زبان‌شناسی از قبیل، آواها، صورت، نحو و معناشناسی داشت، هیچ توجهی به مطالعه رشته‌های بلندتر از جمله یعنی متن نکرده بود. لذا تجزیه و تحلیل‌های دستور سنتی از بررسی و مطالعه واحدهای مهمتر که با یکدیگر متن را تولید می‌کنند، به کلی غافل ماندند (دوبگراند و درس‌ر ۱۹۸۱). گرچه زلیگ هریس (۱۹۵۲) معتقد بود که همه گفتمانها باید بر اساس اصول توزیعی تجزیه و تحلیل شوند و این کار به‌کارگیری گشتارها در بین متون قابل تحقق است، اما گرایش مطالعه متن و کلام در روش نوام چامسکی با هریس تفاوت داشت. در خصوص این تفاوت روش‌شناختی پایک (۱۹۶۷)، کوچ (۱۹۷۱) و هگر (۱۹۷۶) معتقدند که گشتار در روش چامسکی به مفهومی بین جمله‌ای تبدیل شد، درحالی‌که در دیدگاه هریس بین متنی است و این‌گونه برداشت چامسکی سبب شد که ضرورت مطالعه، در درون سازمان متن متوقف گردد. کوزیر (۱۹۵۵، ۱۹۵۶)، هاروگ (۱۹۶۸)، و پایک (۱۹۶۷) می‌گویند برخی از زبان‌شناسان بعضی اوقات دامنه واحد تحقیق زبان را گسترش می‌دادند تا متون و بافتارهای متنی را نیز دربر بگیرد. لذا بدین صورت «متن» به عنوان یک واحد بزرگتر از جمله تعریف شد و گرایش تحقیقات متوجه کشف و طبقه‌بندی انواع ساختارهای متون گردید. از آن پس متن به عنوان واحد زبانی مورد تحقیق زبان‌شناسی واقع گردید (دوبگراند و درس‌ر ۱۹۸۱) به عقیده کتز و فودور (۱۹۶۴) یک متن کامل مانند یک جمله است، با این تفاوت که محدوده جملات با نقطه پایانی مشخص می‌شود، درحالی‌که در متن به جای نقطه پیوندهایی همچون «و»، «یا»، «یا» و عوامل پیونددهنده دیگری جمله‌ها را به هم متصل می‌کنند. دوبگراند و درس‌ر بر این باورند که دستور گشتاری با لحاظ نکردن انگیزه کلام و دانش گوینده و عوامل دیگری همچون تأکید، آهنگ جمله، ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در کنار یکدیگر، سازمان جملات قبل و بعد از جمله مورد نظر، نمی‌تواند مبین صورت واقعی زبان باشد (دوبگراند و درس‌ر ۱۹۸۱).

یارمحمدی (۱۳۷۲) در تعریف گفتمان و متن معتقد است، تحلیل گفتمان و متن به شاخه‌ای از زبان‌شناسی جدید اطلاق می‌شود که هدف آن توصیف کلام پیوسته معنی‌دار بزرگتر از جمله است. او در مقایسه با کسانی که گفتمان را به «ارتباط معنایی»^۱ و متن را به عنوان «انسجام» تعریف

1. coherence

کرده‌اند می‌گویند گفتمان «به آنچه که می‌خواهیم بیان کنیم و یا پیام موردنظر» و «متن به شیوه‌ای که پیام را ادا می‌کنیم» گفته می‌شود و ارائه پیام به صورت متن، تابع سازوکار و ملاحظات بسیاری از طرف گوینده و یا نویسنده است (یارمحمدی ۱۳۷۲).

زبان‌شناسانی همچون مایکل هالیدی و حسن (۱۹۷۶) و وان‌دایک (۱۹۸۹) سهم بسزایی در این حوزه از زبان‌شناسی داشته‌اند. اینان متأثر از مکاتب زبان‌شناسی «نقش‌گرایی» اروپا، مانند مکتب پراگ، نقش‌گرایان فرانسه، مکتب لندن و کپنهاگ بوده‌اند. غالب زبان‌شناسان این مکاتب با روشهای مختلف اما هدف مشترک و مشابه، متن را به عنوان یک امر زبان‌شناختی همراه با نظام تلقی می‌کنند. آنها بر این عقیده‌اند که انسان نمی‌تواند با انتخاب یکی از دو وجه به فهم دیگری نایل آید، بلکه باید به هر دو یعنی متن و نظام پردازد. خواننده متن باید بتواند به نظام یا سیستمی که در ورای متن وجود دارد دست یابد و با شناختن نظام، متن را بفهمد (هالیدی ۱۹۹۴). روابط بین جمله‌ای را «انسجام متنی»^۱ می‌نامند. انسجام متنی بخشی از نظام یک زبان است. انسجام به طور بالقوه در ابزارهای نظامی زبانی از قبیل ارجاع، حذف و... که در درون خود زبان قرار دارند جای دارد، ولی تحقق یافتن انسجام تنها به انتخاب گزینه‌هایی از این ابزارها وابسته نیست، بلکه پیش‌فرضهای موجود نقش اساسی در انسجام دارد. به مثال ذیل توجه نمایید (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱؛ هالیدی و حسن ۱۹۷۶).

متن شماره ۱:

- (1) Wash and core six cooking apples.
- (2) Put them into a fireproof dish.

در مثال فوق ضمیر «them» در جمله دوم پیش‌فرضی را مطرح می‌کند و این پیش‌فرض با مراجعه به جمله اول توسط واژه «apples» حل می‌شود و بدین صورت ارتباط بین جمله‌ای منجر به انسجام متنی در یک متن می‌شود. پس در رویکردهای هالیدی و حسن، انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن از غیر متن جدا می‌سازد. به دیگر سخن، یک نوشته برای اینکه متن نامیده شود باید هم دارای انسجام صوری و هم دارای پیوستگی معنایی باشد. در رویکرد زبان‌شناسی متن هالیدی و حسن، عوامل انسجام عبارت‌اند از:

- الف) ارجاع، جایگزینی یا جانشینی، حذف به قرینه که همگی از عوامل دستوری‌اند.
- ب) عوامل انسجام واژگانی: که شامل تکرار و باهمایی است.

ج) عوامل پیوندی یا ربطی که شامل: عوامل ربطی اضافی، سببی، تقابلی و زمانی هستند (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱؛ هالیدی و حسن ۱۹۷۶؛ قادی ۱۹۹۹؛ هالیدی و حسن ۱۹۹۴).

۳ رویکردهای زبان‌شناسی متن

الف) رویکرد کاربردی نسبت به متن (نظریهٔ دوبگراند و درس‌لر)

دوبگراند و درس‌لر رویکرد خود به زبان‌شناسی متن را «رویکرد کاربردی یا روش کار» می‌نامند. آنها نیز مانند اکثر زبان‌شناسان، متن را هم به ویژگیهای خرد و کلان و هم به دانش تجربی گویندگان مرتبط می‌دانند. ساخت متن براساس این سه محور استوار است. منظور از رویکرد کاربردی، آن رویکردی است که در آن کلیهٔ سطوح زبان براساس شکل کاربردی‌شان توصیف می‌شوند (دوبگراند و درس‌لر ۱۹۸۱). آنها متن را یک نوع نمود ارتباطی می‌دانند که دارای هفت ویژگی متنی به شرح ذیل است:

۱. انسجام؛ ۲. پیوستگی معنایی؛ ۳. قابلیت پذیرش؛ ۴. قصدمندی؛ ۵. ویژگی اطلاعاتی؛ ۶. ویژگی موقعیتی؛ ۷. ویژگی درون‌متنی؛ ۸. ملامک‌آر؛ ۹. دوبگراند، درس‌لر (۱۹۸۱).
از ویژگیهای متنی فوق، ویژگیهای (۱) و (۲)، متن‌بنیاد یا متن‌محور هستند و سایر ویژگیها یعنی از (۳) الی (۷) کاربرمحور هستند. این هفت ویژگی اصول تشکیل‌دهندهٔ متن و برقرارکنندهٔ ارتباط هستند. در این رویکرد، ارتباطات متنی توسط سه عامل تنظیم‌کننده کنترل می‌شوند (ملمک‌آر ۲۰۰۰) که عبارت‌اند از:

الف) شرط کفایت^۵

ب) شرط تأثیرگذاری^۶

ج) تناسب داشتن^۷

اینک به شرح مختصر هر یک از اصول فوق می‌پردازیم. با توجه به این نکته که رویکرد دوبگراند و درس‌لر پیرامون ویژگیهای انسجام و پیوستگی معنایی متأثر از آرای هالیدی و حسن است و از نظر دوبگراند و درس‌لر این دو ویژگی نقش اساسی در تولید و درک متن ایفا می‌کنند و به سخن دیگر، این دو ویژگی «متن‌محور» هستند و لذا تفاوت معناداری با آنچه در صفحات قبل از نظر هالیدی و حسن مطرح شد، ندارد، ما به همان اکتفا می‌کنیم و به شرح دیگر ویژگیهای رویکرد کاربردی متن می‌پردازیم:

1. intentionality

2. informativity

3. situationality

4. inertextuality

5. efficiency

6. effectiveness

7. appropriateness

۴ ویژگی قابلیت پذیرش

ویژگی قابلیت پذیرش به خواست خواننده مبنی بر اینکه متن باید منسجم و پیوسته و مرتبط با او باشد مربوط می‌گردد. قابلیت پذیرش به عواملی همچون نوع متن، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و مقبولیت اهداف بستگی دارد. خواننده متن در برابر نابسامانیهای متنی، یعنی عواملی که باید در تولید متن لحاظ شوند (مانند عوامل انسجام)، اما بعضی از آنها رعایت نشده است، از خود بردباری نشان می‌دهد و سعی می‌کند با کمک قدرت استنباط و استنتاج که متکی به دانش عمومی اوست متن را منسجم نماید و یا یکپارچه ببیند (ملمک‌آر ۲۰۰۰).

۵ ویژگی قصدمندی

ویژگی قصدمندی به قصد و منظور نویسنده برای تولید متنی منسجم و پیوسته که در راستای هدف موردنظر طراحی شده باشد، اشاره دارد. نویسنده و خواننده هر دو براساس اصل تعاون گرایش در گفتمان رفتار می‌کنند و برای حل مسئله در روند تعامل گفتمان از طرف هر دو شرکت‌کننده یعنی تولیدکننده (نویسنده) و درک‌کننده (خواننده) برنامه‌ریزی می‌شود، زیرا یک ارتباط موفق به داشتن توانایی لازم برای پیش‌بینی اهداف دیگر شرکت‌کنندگان در گفتمان یا متن نیاز دارد. بر همین اساس، تولیدکنندگان متن باید قادر باشند پاسخهای احتمالی‌ای را که شنوندگان یا خوانندگان به عنوان موافق یا مخالف به متن می‌دهند با یک طرح دیگر پیش‌بینی و پیشگویی کنند (دوبگراند و درسلر ۱۹۸۱).

۶ ویژگی اطلاعاتی

این ویژگی به توضیح آنچه باعث ظاهر شدن یا تولید آن دسته از متونی که انتظار آن می‌رود در مقابل متونی که تولیدشان غیر قابل انتظارند، و همچنین متون غریب در مقابل متون آشنا می‌پردازد (دوبگراند و درسلر ۱۹۸۱؛ ملمک‌آر ۲۰۰۰). بنابراین می‌توان این ویژگی را ویژگی احتمال وقوع نیز نامید. هرچه ویژگی احتمال وقوع، در بافت خاصی بیشتر باشد، به همان مقدار انتظار وقوع و ظهور آن نیز بیشتر خواهد بود. وقتی احتمال وقوع چیزی دور از انتظار باشد، اما بوقوع بیوندد، خواننده یا شنونده باید در چنین موقعیتی، به تحقیق انگیزه‌ای بپردازد. منظور از تحقیق انگیزه‌ای نوع خاصی از حل مسئله است که طی آن خواننده به دنبال علت و انگیزه‌های ناشناخته و نهفته در تولید متن می‌گردد، مانند اینکه تولید این متن از چه اهمیتی برخوردار است و براساس چه ضرورتی به وجود آمده است؟ چرا این نوع گزینه‌ها، اعم از ساخت و واژگان و... برای متن انتخاب شده‌اند. چگونه آنها می‌توانند به استمرار و یا پیوستگی که اساس ارتباط است، مربوط شوند؟ البته این نکته نیز قابل ذکر است که انتظارات خواننده یا شنونده از اینکه چه نوع اطلاعاتی در یک متن ارائه خواهد شد، خود شدیداً تحت تأثیر استنباط و نتیجه‌گیری دریافت‌کننده از متن است.

۷ ویژگی موقعیتی

این ویژگی به عوامل مرتبط با یک موقعیت که متن در آن تولید شده است می‌پردازد (دوبگراند و درسلر ۱۹۸۱). دریافت‌کننده متن اعم از خواننده و یا شنونده، در این ویژگی همانند ویژگی اطلاعاتی، تلاش جدی می‌کند تا هرگونه مسئله نامربوط موجود در متن را به نوعی حل نماید. به عنوان مثال، دریافت‌کننده سعی می‌کند با به‌کارگیری روش حل مسئله به نحوی عناصر نامربوط را به متن ارتباط دهد، یعنی با استفاده از عناصر بافتی یا موقعیتی برای عناصر نامربوط در متن، دلیل بافتی بیابد، و بدین طریق وجود آنها را توجیه نماید (ملک‌آر ۲۰۰۰).

۸ ویژگی درون متنی

ویژگی درون متنی اشاره به تولید و درک متن حاضر در ارتباط با نوع تولید و درک متن قبلی دارد، خواه متن قبلی، پاراگراف پیشین در یک نوشته باشد و خواه نوشته روی تابلوی راهنمایی و رانندگی موجود در مسیر طی شده در جاده‌ها. به عنوان نمونه، اگر در جاده‌ای با تابلوی «با سرعت حرکت کنید» یا «بر سرعت خود بیفزایید» مواجه شدید، معنای نوشته روی این تابلو بر مبنای متن موجود بر روی تابلوهای قبلی تعیین می‌گردد که در آنها نوشته شده است: «از سرعت خود بکاهید» یا «آهسته برانید». تنوع و تکامل انواع متون در گرو وابستگی درون متنی است، یعنی ویژگی وابستگی درون متنی باعث ایجاد انواع متون و سبکها می‌شود (رایت و هوپ ۱۹۹۶).

حال به بررسی عوامل و اصول تنظیم‌کننده ویژگیهای فوق‌الذکر در متن می‌پردازیم:

الف) شرط کفایت

متنی دارای شرط کفایت است که حداقل تلاش شرکت‌کنندگان در ارتباط در آن انجام گیرد. شرط کفایت بستگی به حداقل متنی دارد که طرفین در یک فرایند ارتباط به کار می‌برند. شرط کفایت را تسهیل‌کننده فرایند^۱ نیز می‌نامند (دوبگراند و درسلر ۱۹۸۱). شرط کفایت همان رعایت اقتصاد در زبان است.

ب) شرط تأثیرگذاری

این شرط که آن را «عمق فرایند»^۲ نیز نامیده‌اند عبارت از این است که یک متن باید بتواند تأثیر قابل توجهی بر دریافت‌کنندگان بگذارد، تا شرایط خلاق موردنظر را برای دستیابی به هدف فراهم نماید.

1. processing ease

2. processing depth

ج) شرط تناسب داشتن

شرط تناسب متن آن نوع هماهنگی‌ای است که بین تنظیم یک متن (چگونگی کنار هم آمدن جملات متن) و راهمایی که در آنها معیارهای منتیت رعایت شده باشد وجود دارد. تناسب، همبستگی بین موقعیت موجود و معیارهای متنی را معین می‌کند، یعنی این اصل حدود، مرزها و شروط توقف و عمق را با توجه به وضعیت شرکت‌کنندگان در فرایند متن تعیین می‌نماید.

این اصل در بین دو اصل دیگر یعنی اصل کفایت و تأثیرگذاری نقش میانجی را به عهده دارد، زیرا هریک از آن دو مایل‌اند در جهت عکس یکدیگر عمل نمایند. بدین صورت که تولید و درک متن بر مبنای عوامل زبان‌شناختی محض و بی‌روح و با محتوای انعطاف‌ناپذیر (یعنی ویژگی کفایت) کار آسانی است، اما چنین متنی ملال‌آور و خسته‌کننده است و تأثیر ناچیزی از خود به جای می‌گذارد. در مقابل، زبان خلاق با محتوای نشاندار یا در قالب متن ادبی دارای تأثیر فوق‌العاده است، اما ممکن است در تولید و درک تا اندازه‌ای مشکل‌آفرین باشد (ملمک آر ۲۰۰۰).

علاوه بر اصول و شرایط فوق‌الذکر که در طرح تولید و درک متن آمده است، سینکلر (۱۹۸۴) ویژگی «طبیعی بودن»^۱ را لازمه متن می‌داند. اصطلاح طبیعی بودن که به وسیله سینکلر به کار رفته است، به مفهوم خوش ساخت بودن جملات در یک متن است (سالکی ۲۰۰۱؛ سینکلر ۱۹۸۴). البته ویژگی خوش ساختی مورد نظر سینکلر با آنچه به طور معمول در نحو به یک جمله خوش ساخت گفته می‌شود، تفاوت دارد (ملمک آر ۲۰۰۰). زیرا ممکن است جمله خوش ساخت به طور معمول ویژگی خوش ساخت بودن خود را زمانی که به صورت جمله منفرد و جدا از بافت ظاهر می‌شود حفظ کند، درحالی‌که خوش ساختی به مفهوم طبیعی بودن، در خارج از بافت ممکن است با خوش ساختی دستوری معادل نباشد. سینکلر می‌گوید بسیاری از جملات، علی‌رغم خوش ساخت بودن از نظر دستوری، از نظر گویشوران طبیعی به نظر نمی‌رسند و به همین دلیل عجیب و غیرعادی ارزیابی می‌شوند. بنابراین خوش ساختی و طبیعی بودن از متغیرهای مستقل هستند. بعضی از عوامل مؤثر در تحقق معیار طبیعی بودن، در گفتمان (متن) جای دارد، در حالی‌که عوامل خوش ساخت بودن، در محدوده جمله و در درون خود جمله قرار دارند. لذا اگر جمله‌ای مانند «if you like» از نظر معیارهای دستور سنتی جمله خوش ساخت نباشد، اما یک پاسخ طبیعی و عادی به یک نوع درخواست است، یعنی در چارچوب متن خوش ساخت یا طبیعی است (سینکلر ۱۹۸۴).

دیدگاه دوبگراند و درسلر و سینکلر از آن جهت در تولید و درک متن حائز اهمیت است که علاوه بر عواملی که در دیدگاه هالیدی و حسن مطرح بوده‌اند، اصول و شرایط دیگری را نیز که بیانگر واقعیتهای موجود در سازمان متن و درک آن هستند معرفی می‌کند.

۹ رویکرد حل مسئله (نظریه مایکل هوی)

هوی معتقد است که اکثر الگوهای گفتمانی به نحوی تابع «الگوی حل مسئله»^۱ است. او به طور کلی درباره «الگوهای مقایسه‌ای یا تطبیقی»^۲ و «الگوی خاص-همگانی»^۳ سخن می‌گوید، اما به طور اخص مدل حل مسئله را درباره گفتمان یا متن پیشنهاد می‌کند (ملمک آر ۲۰۰۰). رویکرد حل مسئله درباره سازمان و درک متن مایکل هوی متأثر از آرای رومل هارت^۴ و اورتونی^۵ (۱۹۷۷) و شانک^۶ و ابلسون^۷ (۱۹۷۷) است. اینان برای تولید و تعبیر متن به طرحواره^۸ و نوشته‌ها^۹ (منظور از نوشته‌ها، بازسازی چیزی است که در ذهن نویسنده است) توسل می‌جویند و برای تولید متن نیز این سازوکار را برای خواننده محفوظ می‌دارند و معتقدند که دانش حاصل از تجربیات ما از جهان در ذهن دارای توزیع نامنظم است، اما این دانش پراکنده در ذهن در قالب طرحواره‌ها و نوشته‌های درون ذهن به دقت سازماندهی می‌شوند. هنگامی که قسمتی از این دانش فعال شود بقیه اطلاعات مرتبط با آن در دسترس قرار می‌گیرد و بدین صورت متن تولید یا بازآفریده می‌شود و درک می‌گردد (بول و براون ۱۹۸۹). هرچند هوی بین طرحواره‌ها و نوشته‌های در ذهن یا ذهن‌خوانی تفاوت قائل است، اما در رویکرد حل مسئله این تفاوتها را نادیده می‌انگارد، زیرا معتقد است این تفاوتها در طرح او چندان مؤثر نیستند. این تفاوتها عبارت‌اند از:

طرحواره، بازنمون و نشان‌دهنده یک نوع دانش ایستا و بی‌تحرك (غیرفعال) است، درحالی‌که نوشته‌ها و یا بازسازی آنچه در ذهن نویسنده یا گوینده وجود دارد، یک نوع بازنمون روایی و فعال دانش است. طرحواره روابط بین رویدادها یا حقایق را به صورت غیرمرتبط یا گسسته نشان می‌دهد، درحالی‌که بازسازی نوشته‌ها حوادث یا حقایق را به صورت زنجیری، به همان شکلی که اتفاق افتاده، بیان می‌کند. او تأکید دارد که فرایندهای خواندن و یا نوشتن انواع متون براساس الگوی مشترک فرهنگی سازماندهی و تعبیر می‌شوند (هوی ۲۰۰۱).

در این قسمت از مقاله، با ارائه نمونه‌ای از متن فارسی و انگلیسی، الگوی حل مسئله تشریح می‌شود. از آنجایی که هدف از این نمونه‌ها معرفی روش‌شناختی الگوی حل مسئله هوی در تولید و درک متن به وسیله تجزیه و تحلیل متن است، اولاً از متون کوتاه و ساده استفاده شده است. ثانیاً جملات تشکیل‌دهنده متن را شماره‌گذاری کرده‌ایم (گاتلی ۲۰۰۰؛ قادسی ۱۹۹۹؛ رایت و هوب ۱۹۹۶؛ سالکی ۲۰۰۱). به متن ذیل توجه نمایید:

- | | | |
|-----------------------------|----------------------|-------------------------------|
| 1. problem-solution pattern | 2. matching patterns | 3. general-particular pattern |
| 4. Rumelhart | 5. Ortony | 6. Schank |
| | | 7. Abelson |
| | | 8. schemata |
| 9. scripts | | |

«(۱) روزی من (یک) معلم زبان انگلیسی بودم (۲) دانش‌آموزانی به من مراجعه کردند و گفتند حتی نمی‌توانند اسمشان را به انگلیسی بنویسند (۳) من به آنها تجزیه و تحلیل متن را آموختم (۴) حالا همه آنها داستان می‌نویسند».

۱۰ تحلیل متن

در روش حل مسئله هوی متن باید به صورت مصاحبه بازنویسی شود:

موقعیت متن: روزی من یک معلم زبان انگلیسی بودم.

پرسش (الف): خوب، چه مشکلی برای شما به وجود آمد، یا چه اتفاقی افتاد؟
معلم: دانش‌آموزان به من مراجعه کردند که نمی‌توانند حتی اسمشان را بنویسند.

پرسش (ب): خوب، شما چه کار کردید؟

معلم: من به آنها تجزیه و تحلیل متن را آموختم.

پرسش (ج): نتیجه چه شد؟

معلم: حالا، آنها می‌توانند داستان بنویسند.

هدف از تبدیل متن به صورت متن مکالمه‌ای در رویکرد حل مسئله، این است که پرسش و پاسخها رابطه بین جملات را به خوبی نشان می‌دهند و اجزا و سازمان‌بندی آن نیز روشن شده و در نتیجه متن بهتر درک می‌شود.

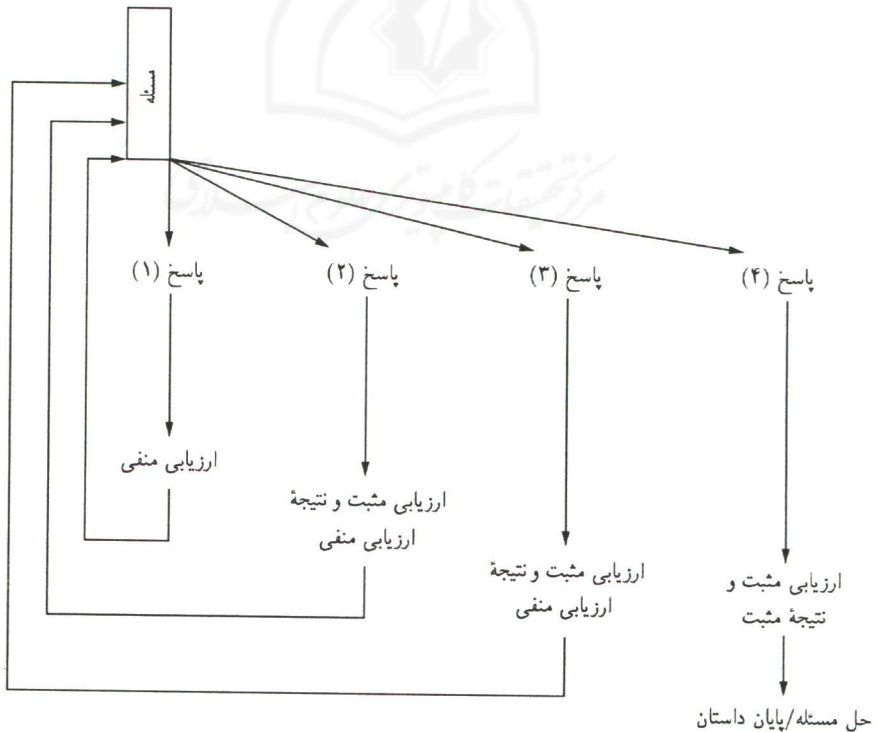
در متن اصلی فوق، جمله شماره ۱ موقعیت را نشان می‌دهد. جمله شماره ۲ طرح مسئله می‌کند، جمله شماره ۳ پاسخ است و در نهایت جمله شماره ۴ نیز پاسخی ارزیابی است و مثبت است. نقش جمله ۱ به عنوان موقعیت، بیانگر اطلاعات تجربی یا پیش‌زمینه‌ای است، جمله شماره ۲ پاسخی برای اولین پرسش، جمله ۳ پاسخ پرسش (ب) و جمله شماره ۴ نیز پاسخی پرسش (ج) است. ممکن است در این مرحله با این مسئله مواجه شویم که اگر به جای جمله ۴، جمله‌ای مانند: «متأسفانه پیشرفتی نکردند» داشتیم، در آن صورت پاسخی پرسش (ج) منفی ارزیابی می‌شود. در چنین وضعیتی رویکرد حل مسئله چه راه حلی اندیشیده است؟

هوی (۲۰۰۱) در پاسخ این مشکل می‌گوید در رویکرد حل مسئله برای هر مسئله موجود در متن هم مرحله ارزیابی و هم نتیجه مثبت منفی پیش‌بینی شده است، بدین صورت که اگر: الف) مسئله‌ای بعد از طی فرایند به مرحله پایانی برسد و حل گردد، به هدف نائل شده‌ایم. ب) اگر مسئله‌ای به مرحله پایانی «چرخه»^۱ یا طرح برسد ولی حل نگردد، یعنی پاسخی منفی ارزیابی شود، آن‌گاه مراحل ذیل را خواهیم داشت.

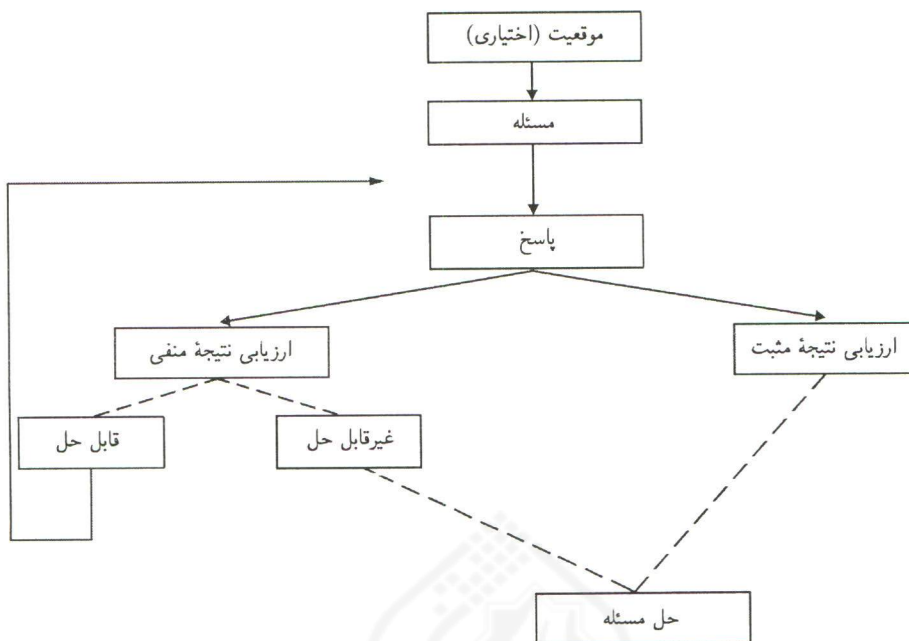
۱. یا این ارزیابی منفی قابل اصلاح و تغییر به مثبت است که دوباره به عنوان مسئله وارد فرایند حل مسئله یا چرخه مجدد می‌شود و در مقابل این پرسش قرار می‌گیرد که: خوب/بعد از آن چه کردی/چه شد؟ برای تولید و یا تجزیه و تحلیل و درک متون طولانی معمولاً از این تکنیک فراوان استفاده می‌شود.

۲. یا این ارزیابی منفی و غیرقابل تغییر و اصلاح است که آن‌گاه به عنوان نتیجه منفی متن یا داستان می‌پذیریم، همان‌طور که نتیجه مثبت را می‌پذیریم.

ج) اگر چنانچه نتیجه حل مسئله در وهله نخست مثبت ارزیابی شود، اما بلافاصله یک نتیجه منفی به دنبال آن بیاید، به طوری که احساس شود آنچه مثبت ارزیابی شده، موقتی بوده یا کافی نبوده است و به نظر رسد که مشکل همچنان باقی است، نتیجه این نوع ارزیابی را از تلفیق مثبت و منفی، «منفی» تلقی می‌کنیم و با نتیجه منفی مانند موارد (۱) و (۲) فوق رفتار می‌کنیم (هوی ۲۰۰۱). طرح شماره ۱ و ۲ ذیل، مسائل مطرح شده فوق را به روشنی نشان می‌دهد.



طرح ۱. بخشی از رویکرد حل مسئله که بیانگر قسمت (ب) از توضیحات فوق‌الذکر است (اقتباس از هوی ۲۰۰۱).



طرح ۲. اقتباسی از طرح کلی رویکرد حل مسئله هوی (۲۰۰۱).

به نمونه دیگری که از متون تبلیغاتی مربوط به خدمات رسانی اینترنت است توجه نمایید (همان: ۱۲۸).
متن شماره ۲:

- (1) Trying to work with internet?
- (2) Is the internet turning you into a monster?
- (3) Let Mcis help you control the beast.
- (4) Mcis is a total internet solution provider and can assist you in the following areas: [a list follows].

۱۱ تحلیل متن فوق براساس رویکرد حل مسئله

ابتدا جملات را شماره‌گذاری می‌کنیم. اولین جمله از خواننده می‌خواهد که «موقعیت» را خودش تشخیص بدهد. جمله دوم به دنبال شناخت واژه «monster» (هیولا) از طریق بافت است، و این شناخت به وسیله به‌کارگیری واژه هم‌معنای (beast) «جانور» در جمله بعدی حاصل می‌شود. استفاده از «واژگان» به عنوان یک عنصر زبانی در تحلیل متن و شناسایی عناصر ناآشنا همیشه به عنوان ابزاری مؤثر مطرح بوده است، و به‌کارگیری این‌گونه نشانه‌ها، سازوکاری است که نویسنده

با هدف دخالت دادن دانش تجربی خواننده در درک متن از آن بهره می‌جوید. این سازوکار به نویسنده امکان می‌دهد که در تولید متن از منابع زبان‌شناختی صریح همچون (واژه‌های زیاد، ساخت و...) کمتر استفاده کند.

وقتی مسئله‌ای در متون تبلیغاتی مطرح می‌شود، مطمئناً به دنبال آن، راه حل نیز ارائه خواهد شد. لذا در متن مورد نظر راه حل یا پاسخ در «جمله سوم» وجود دارد. این پاسخ با به‌کارگیری واژه «help» (کمک کردن)، به عنوان یک پاسخ مثبت ارزیابی می‌شود و نتیجه نیز به صورت مثبت است، و مسئله حل می‌شود. این نتیجه مثبت در جمله آخر نیز با استفاده از عبارت «he can assist you» (او می‌تواند به شما کمک کند) تأیید می‌شود.

از طرف دیگر واژه «control» (کنترل کردن یا تحت نظارت و اختیار گرفتن) معمولاً برای جلوگیری یا حل مسائلی به کار می‌رود که به طور بالقوه می‌توانند مشکل‌ساز باشند. تلفیق این‌گونه معانی در این متن، دقیقاً با هدف و نیت تبلیغ‌کننده مطابقت و همسویی دارد. از طرف دیگر متن مدعی است که موضوع مشکل‌ساز یعنی «هیولا یا جانور» مورد نظر را به‌وضوح معرفی کرده است و این معرفی با به‌کارگیری واژه «control» بعد از واژه «help»، در جمله سوم صورت می‌پذیرد. یعنی در واقع «اینترنت» یک موقعیت یا موضوعی است که به طور بالقوه می‌تواند مشکل‌آفرین (مسئله‌ساز) باشد (البته نه اینکه ضرورتاً باید مشکل‌ساز باشد). پس آنچه نیاز است خدماتی است که به نحوی بتواند این مسئله بالقوه را حل کند. لذا براساس رویکرد حل مسئله خواهیم داشت:

مسئله: مشکل‌آفرین بودن بالقوه اینترنت

پرسش: چه کنیم که این مشکل رخ ندهد و یا در صورت بروز مشکل چه باید کرد.

پاسخ: Mcis این مشکل را حل می‌کند.

ارزیابی: مثبت و نتیجه پس Mcis بخیرید (حل مسئله).

رویکرد حل مسئله هوی توان تبیین چگونگی تولید و تعبیر انواع متون را دارد و گانتز کرس^۱ از صاحب‌نظران برجسته تحلیل‌گفتمان انتقادی، تعامل متنی هوی را که حاوی رویکرد حل مسئله متن است، چه به لحاظ نظری و چه روش‌شناختی بسیار ارزشمند دانسته است (هوی ۲۰۰۱). در مجموع زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن این نگرش را در شخص تقویت می‌کند که متن را نباید به عنوان یک شیء بسته و مستقل و دارای معانی صریح و ثابت تلقی کرد، بلکه باید به منزله یک میدان وسیع و نامشخصی در نظر گرفت که در آن مضامین و مقاصد متنوعی وجود دارد. وظیفه تحلیلگر، شناسایی و شناساندن مجموعه معانی آشکار و پنهان در متن است. پیروان

1. Gunter Kress

مکتب فرانکفورت نیز معانی نهفته را از طریق تحلیلی که متضمن ساخت‌شکنی^۱ ایدئولوژیکی و نقد خاستگاه اجتماعی آن است کشف می‌کنند (لارسن ۱۹۹۱؛ وان‌دایک ۱۹۹۷؛ فرکلاو ۱۹۹۶).

۱۲ نتیجه و کاربرد

۱. زبان‌شناسی متن ضمن معرفی عوامل مؤثر در تولید و درک متن به خواننده این شناخت را می‌دهد که بتواند با ابزارهای دقیق و آزمون‌پذیر به شناسایی و ارزشیابی متون پردازد و متون منسجم و بدون انسجام را از یکدیگر تمیز داده و در این راستا متون را درجه‌بندی و انواع متون را تعریف و قالب‌بندی کند و براساس اصول و قوانین حاکم بر هر نوع متنی حتی به پیش‌بینی متون تولید نشده پردازد.

۲. زبان‌شناسی متن کاربرد وسیعی در امر ترجمه و ارزشیابی متون ترجمه‌شده و همچنین در تهیه نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ماشین ترجمه دارد.

۳. برای فرهنگ‌نویسان برای تجزیه و تحلیل ابهامات و ایجاد شفافیت لازم در مداخله‌های فرهنگ‌واژگان کاربرد دارد.

۴. زبان‌شناسی متن که بررسی سازمان متن اعم از تولید و درک را سرلوحه کار خود قرار داده است راه‌کارهای مناسبی در اختیار معلمان و مدرسان زبان قرار می‌دهد که در آموزش مهارت‌های خواندن و درک مطلب و نوشتن زبان اعم از زبان مادری و زبان خارجی بهره‌جویند.

۵. رویکردهای تولید و درک متن به عنوان موضوع اصلی زبان‌شناسی متن، کاربرد وسیعی در تحلیل گفتمان انتقادی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی اعم از آموزش زبان و دیگر رشته‌های وابسته دارد.

کتابنامه

- Bublitz, W., 1999. *Coherence in Spoken and Written Discourse*. John Benjamins.
- Couthard, M., 1994. *Advances in Written Text Analysis*. London, Routledge.
- Crystal, D., 1992. *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. UK, Blackwell, p. 387.
- De Beaugrande, R., and Dressler, W. V., 1981. *Introduction to Text Linguistics*. London, Longman, pp. 21-24, 3, 31, 132-3, 8-9, 140.
- Fairclough, Norman, 1996. *Intertextuality in Critical Discourse Analysis*. London.
- Fodor, J. A., and Katz, J., 1964. *The Structure of Language: Reading in the Philosophy of Language*. Englewood Cliffs, NJ., Prentice Hall.

1. deconstruction

- Ghadessy, M., 1999. *Text and Context in Functional Linguistics*. London, John Benjamins.
- Goatly, Andrew, 2000. *Critical Reading and Writing*, New York.
- Halliday, M. A. K., and Hassan, 1976. *Cohesion in English*. London, E. Arnold.
- Halliday, M. A. K., 1994. *An Introduction to Functional Grammar*. London, E. Arnold, pp: 20-23 (preface).
- Hoey, M., 1983. *On the Surface of Discourse*. London. p. 1.
- Hoey, M., 2001. *Textual Interaction*. London, Routledge.
- Larsen, p., 1991. *A Handbook of Qualitative Methodologies for Mass Communication Research*. Routledge.
- Malmkjar, K., 2000. *The Linguistics Encyclopedia*. Canada, Routledge, pp. 461-71.
- Paul Gee, J., 1997. *An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method*. London, Routledge.
- Reisigl, M., and Wodak R., 2001. *Discourse and Discrimination*, London, Routledge.
- Salkie, R., 2001. *Text and Discourse Analysis*. London, Routledge.
- Sinclair, J. MCH., 1984. *Naturalness in Language*. Amsterdam. pp. 203-4.
- Trask, R. L., 1996. *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*. New York, Routledge.
- Van Dijk, A., 1997. *Discourse as Social Interaction*. Sage, Canada.
- Van Dijk, A., 1989. *Text and Context*. London, Longman.
- Wright, L., and Hope, J., 1996. *Stylistics: A Practical Course Book*. London, Routledge.
- Yule, G., and Brown, G., 1989. *Discourse Analysis*. London, Cambridge University Press. pp. 5, 241-2.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم، ۱۳۷۱. «درآمدی به سخن‌کاوی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۹، ش ۱، ص ۳۹-۹.
یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۷۲. شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه. شیراز. نوید.